

منازعه سیاسی و امنیت در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)

محمدباقر خرمشاد^۱

مصطفی یقینی پور^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۹/۲۰

فصلنامه آفاق امنیت / سال دهم / شماره سی و ششم - پائیز ۱۳۹۶

چکیده

سبقت تاریخی مفهوم منازعه سیاسی در علوم سیاسی و بروز عملی آن در ساخت سیاسی-اجتماعی در قالب مقوم ثبات یا محرک ناامنی جمهوری اسلامی ایران، فرصتی برای تأمل بدیع درباره منازعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران و امنیت ملی فراهم آورده است. از این رو نویسنده تلاش کرده است ضمن مروری بر مبانی نظری و پیشینه موضوع در منابع معتبر و جدید، از دریچه ساختار اندیشه اسلامی و دیدگاه تعاملی در مطالعات منازعه سیاسی به مثابه الگوی تحلیلی پژوهش، منازعه سیاسی را مطالعه و تحلیل کند. در این نوشتار به «شیوه تحلیل پسینی»، به تحلیل محتوای بنیادین این مفهوم در آثار و بیانات حضرت امام خمینی(ره) پرداخته می‌شود. همچنین این نوشتار با تکیه بر فهم ساختار اندیشه سیاسی، به بازشناسی بازیگران، انواع، عوامل، پیامدها و راهکارهای مواجهه با منازعات سیاسی متناظر امنیت می‌پردازد. یافته‌های تحقیق، نشان‌دهنده پذیرش مفهوم منازعه سیاسی به مثابه «تقابل خواسته‌ها و منافع و طرد و بیرون‌گذاری عناصر و دیگر بازیگران مرتبط با آن خواسته یا منفعت در عرصه و سطح واقعی و روانی» است که متأثر از ارکان بینشی، گرایشی، رفتاری، ارتباطی، گفتاری و نهادی و با محوریت سه عامل ارتباطی، گفتاری و نهادی می‌باشد که خود را به صورت منازعه کارآمد و سازنده یا ناکارآمد و مخرب امنیت نمایان می‌سازد.

واژگان کلیدی

منزاعه، منازعه سیاسی، امنیت، امام خمینی(ره)، دیدگاه تعاملی، تحلیل محتوای کیفی.

مقدمه

سیاست، همواره ترکیبی از هم‌گرایی و واگرایی، سازگاری و تعارض، صلح و ستیز، تعامل و تقابل بر سر ارزش‌ها و مطالبهٔ منزلت، علایق و باورها، قدرت و منابع کمیاب در میان کنشگران سیاسی بوده که در آن هدف هریک از طرفین متقاعد کردن، خنثی کردن یا نابود ساختن رقبای خویش است (3: Coser, 1956)؛ به‌ویژه رشد سریع میزان مشارکت مردمی-سیاسی در نهایت به بروز منازعه (conflict) و بحران منجر می‌شود و رفتارها و رویکردهای سیاسی که در چهارچوب تحدید یا تهدید امنیت ارزیابی می‌شوند (افتخاری، ۱۳۸۲: ۶۰).

امنیت (Security) در لغت به معنای در امان بودن، بی‌بیمی، آسایش، بی‌هراسی، اطمینان و سکون قلب است. در فهم دینی امنیت، با تفکیک بین ایده و سازمان امنیت می‌توان گفت شناخت و تبیین آن، برابند فهم عناصری از جمله آگاهی به داشته‌ها و محرومیت‌ها، تهدیدها و فرصت‌ها، ارزش‌های حیاتی و مشترک و فلسفهٔ آفرینش است که برای مراجع امنیت نقش اساسی را ایفا می‌کنند.^۱ اصغر افتخاری می‌گوید: «شرایط امن آن است که ارزش‌های حیاتی برای مرجع امنیت (فرد، جامعه، کشور) از تهدید مصون باشد.» در قرآن با تفکیک ارزش‌های الهی، شیطانی و حیوانی، امنیت در اندیشهٔ اسلامی وضعیتی است که در پرتو آن زمینهٔ عبادت خداوند متعال و در نتیجه قرب به باری تعالی فراهم شود (افتخاری و لک‌زایی، تابستان ۱۳۸۵: ۸). براساس این برداشت، امنیت در اسلام سطوح و لایه‌بندی اجتماعی-سیاسی دارد که قرآن به آن اشاره می‌کند:

آسایش و اطمینانی بود که خداوند برای آدم و حوا در آغاز آفرینش آنان در بهشت فراهم کرد (بقره: ۳۵)؛

زندگانی بدون ترس و اندوه برای کسانی که در دنیا به خدا ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند (بقره: ۵۵ و ۶۲)؛

نشان دادن شهر امن است که روزی گوارای اهل آن از همه‌جا می‌رسد (نحل:

۱۱۲).

امنیت و شهر امن در اسلام ریشه در فلسفهٔ وجودی حیات جمعی دارد که اصل «ولایت و حکومت» به سه صورت در تأمین آن (امنیت‌سازی) مؤثر است: ۱. پالایش

۱. امنیت اغلب پدیده‌ای ادراکی و احساسی است؛ یعنی باید در ذهن مردم و کارگزاران حکومت این باور به وجود آید که امنیت کافی برای ادامهٔ زندگی بدون دغدغه وجود دارد (محمدرحیم عبوسی، «جهانی شدن و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، اندیشهٔ انقلاب اسلامی، ش ۶).



گفتمان سیاسی با طرح شروط و اصول حاکم برای انتخاب زمامداران؛ ۲. اصلاح ساختار سیاسی از طریق اتصال قدرت سیاسی به منبع الهی؛ ۳. طراحی سیستم حل اختلاف در مواقع بحرانی با مرجعیت امام.

در اینجا وارد بحث مهمی می‌شویم تحت عنوان اسباب سیاسی و اجتماعی زوال امنیت (اسلامی، بهار ۱۳۸۵: ۶۰). بیگانگی انسان‌ها با یکدیگر، تفرقه و ناسازگاری و کشمکش و اختلاف، از مسائل مهم در بروز و تشدید ناامنی و بی‌ثباتی در جامعه و کشور است که تحت عنوان و مفهوم «منازعه سیاسی» بدان خواهیم پرداخت.

منازعه از جنبه‌های گریزناپذیر جوامع است که بر پایه رابطه بشر با هستی کلی و اجزای آن از جمله افراد هم‌نوع و سایر موجودات شکل می‌گیرد و از محوری‌ترین مباحث علم سیاست و جامعه‌شناسی سیاسی است. درباره منازعه تعاریف و دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد؛ اما به نظر اغلب اندیشمندان، پدیده‌ای همیشگی و طبیعی است. به اعتقاد شانتال موفه (موفه، ۱۳۹۱: ۱۰) و لاکان (Laclau, 1990: 36)، در ساخت اجتماع بشری ریشه دارد و ممکن است در قالب گفتاری و اگر تا کنشی خشونت‌آمیز روی طیفی از تنش (Tension) تا جنگ بروز کند. به‌طور کلی مفهوم منازعه دربرگیرنده دو گزاره اصلی است که عبارت‌اند از: «تقابل خواسته‌ها و منافع» و «طرد و بیرون‌گذاری عناصر و دیگر بازیگران مرتبط».

در مطالعات صورت‌گرفته درباره مفهوم منازعه سیاسی، ضمن ارزیابی‌های مثبت و منفی از تأثیرات منازعه بر محیط جامعه و سیاست، از سویی گفته می‌شود منازعه می‌تواند امری مثبت، کارآمد و سازنده باشد و با تکیه بر ایجاد تغییر و تحول، سازمان‌ها و الگوهای کنش سیاسی و اجتماعی را بهبود بخشد و زمینه پیشرفت اجتماع را فراهم کند (Karen L. Fleetwood, 1987: 45)؛ از سوی دیگر این منازعه می‌تواند امری منفی، ناکارآمد و مخرب باشد و منشأ شکل‌گیری ما در برابر آنها و عمل طرد و بیرون‌گذاری (exclusion) در سطوح مختلف (فردی، گروهی، ملی و فراملی) شود. ایران سده پر از کشمکش و منازعه سیاسی را پشت سر گذاشت. جامعه ایران نیمی از سده را به‌طور متناوب درگیر شورش‌ها، جنبش‌ها، انقلاب‌ها و بی‌ثباتی‌های سیاسی برآمده از آنها و نیم دیگر را نیز به‌تناوب تحت سلطه حکومت‌های اقتدارگرا بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز، منازعات میان بانیان و حامیان انقلاب اسلامی اندک‌اندک شکل گرفت که البته متأثر از شخصیت پرنفوذ و مقبول حضرت امام خمینی (ره)، وحدت جامعه انقلابی و شرایط ویژه جنگ کمتر زمینه بروز یافت، اما

از همان ابتدا در جمهوری اسلامی ایران نیز مانند هر نظام سیاسی دیگر، منازعه و بی‌ثباتی در عرصه سیاست همواره وجود داشت و اشکال، دامنه و شدت آن در طول این چهار دهه، متفاوت بود.

در چنین وضعیتی، مسئله آن است که در چهارچوب اندیشه سیاسی رهبران فکری سیاسی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران با محوریت دیدگاه‌های حضرت امام خمینی^(ع)، به تعریف، تبیین علت وجودی، صورت‌بندی و رهیافت نظری منازعه سیاسی بپردازیم. طرح این مسئله از این جهت که مقدمه‌ای بر الزامات نظری-عملی منازعه، نامنی و بی‌ثباتی در سطح سیاسی-اجتماعی جمهوری اسلامی ایران است و برای شناخت الگوی مواجهه با بروز منازعات سیاسی در سطح ملی و فراملی، اهمیت دارد. همچنین در واکاوی پیشینه مطالعات و تحقیقات درباره اندیشه سیاسی امام خمینی^(ع)، تاکنون پژوهشی در موضوع این مقاله روی اندیشه و آثار امام خمینی^(ع) انجام نگرفته است و اغلب آثار موجود در چهارچوب مفهومی و روش تحلیل ضعیف‌اند. این مقاله تلاش می‌کند دستاوردی بدیع در این دو حوزه ارائه کند. داوود فیرحی در مقاله‌ای تحت عنوان «مشکلات روش‌شناختی ورود به اندیشه سیاسی امام خمینی^(ع)» نیز به کارگیری روش‌شناسی ویژه را از الزامات نظری تحقیقات در این حوزه می‌داند (فیرحی، ۱۳۷۸: ۷۰). از این منظر، دلایل مشکل بودن تحلیل اندیشه امام عبارت‌اند از: حضرت امام اندیشه‌های خود را در فضای دوگانه ارائه داده‌اند: فضای سنتی پیش از جمهوری اسلامی و فضای موجود در آستانه انقلاب و پس از تأسیس دولت اسلامی جدید؛

حضرت امام در این عصر و بدون هیچ‌گونه فاصله زمانی زیسته‌اند و این موجب می‌شود هرگونه تفسیر از اندیشه‌هایشان، واکنش سیاسی ایجاد کند؛ موضوعی که به‌عنوان «حجاب معاصرت» شهرت دارد؛

حضرت امام متفکر صرف به‌شمار نمی‌آیند، بلکه در عرصه سیاست نیز فعال بودند و نظام حکومتی تشکیل دادند.

در این مقاله، به‌رغم همراهی با متفکران جامعه‌شناسی سیاسی، تلاش داریم در چهارچوب «دیدگاه تعاملی» (interactive)، روایتی دقیق از عوامل و پیامدهای منازعه سیاسی ارائه دهیم. به نحوی که نشان خواهیم داد، منازعه پدیده‌ای معطوف به فرایند و ارتباطی است که در شبکه‌ای به‌هم‌پیوسته بر ساخته می‌شود و تنها از لابه‌لای ارتباطات و ساختارهایی که بازیگران و پدیده‌ها را احاطه کرده‌اند، ظهور و



بروز می‌یابد (لیوتار، ۱۳۸۰: ۳۵). این دیدگاه با کنار گذاشتن گفتارهای محدود از سیاست که بیشتر به مطالعه حوزه‌ای قدرت با تمرکز بر جامعه و دولت می‌پرداخت (وینسنت، ۱۳۷۱: ۲۰)، ضمن طرح پرسش از صورت‌بندی و فرایند منازعه، زمینه را برای جست‌وجو و تحلیل فرایندی پدیده‌های سیاسی و مناسبات قدرت و امنیت در سایر روابط و نهادهای فراسیاسی فراهم آورده است؛ به نحوی که عوامل منازعه در سه بخش اصلی شامل «ارتباطات، ساختار و نهادها و متغیرهای شخصی» دسته‌بندی و بررسی می‌شوند (Whetten & Cameron, 2012: 78).

از این رو می‌کوشیم در این مقاله به این پرسش مرتبط مهم درباره منازعه سیاسی پاسخ معتبر دهیم که منطق درونی حاکم بر منازعه سیاسی و عوامل اثرگذار بر آن در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) چیست؟ در کنار این پرسش اصلی، پرسش‌های فرعی دیگری نیز ناظر به برداشت‌های ماهوی و تمهیدات نظری منازعه سیاسی مد نظر قرار دارد که به فراخور موقعیت، اشاره می‌شود.

در این راستا، کل مقاله حول سه محور سازمان‌دهی می‌شود: ابتدا چهارچوب مفهومی و روشی تحقیق را حول منازعه سیاسی به دست می‌دهیم؛ سپس به تمهیدات سیاست در اندیشه امام خمینی^(۶) اشاره می‌کنیم؛ و سرانجام به صورت‌بندی و تبعات منازعه سیاسی در اندیشه سیاسی امام خمینی^(۶) می‌پردازیم.

پیشینه تحقیق

درباره ریشه‌های ایجاد منازعه و الگوهای تحلیل آن، دیدگاه‌های متنوعی بیان شده است. از این رو پاسخ‌گویی به مسئله مقاله، دست کم از دو منظر کلی انجام گرفته است: برخی صاحب‌نظران، ریشه منازعه را در طبیعت انسان جست‌وجو می‌کنند. روان‌شناسان، زیست‌شناسان، نظریه‌پردازان تصمیم‌گیری و نظریه‌پردازان بازی‌ها از این جمله‌اند؛

برخی دیگر، ریشه منازعه را در نهادها و فرایندهای اجتماعی می‌دانند. طرف‌داران این دیدگاه، منازعه را در سطح گروه‌ها، زبان، نهادها و طبقات اجتماعی، جنبش‌ها و گروه‌های سیاسی و دولت‌های ملی و ائتلافات بررسی می‌کنند. جامعه‌شناسان، انسان‌شناسان، نظریه‌پردازان سازمان و ارتباطات و دانشمندان علوم سیاسی در این گروه قرار دارند.



باتوجه به رویکرد و اولویت این مقاله و در چهارچوب گروه دوم، به بررسی دیدگاه‌های اجتماعی-سیاسی برای تحلیل منازعه در دو دسته اصلی جامعه‌محور و دولت‌محور می‌پردازیم.

۱. منازعه و دیدگاه جامعه‌محور

در این رویکرد دو دیدگاه شاخص نظریه کارکردی و نظریه مارکسیستی حضور دارد: در دیدگاه کارکردگرایی، عام‌ترین معنای کارکرد، اثر و پیامدی است که پدیده‌ای در ثبات، بقا و انسجام «نظام اجتماعی» به‌مثابه یک کل دارد (دورکیم، ۱۳۸۱: ۵۱). آنتونی گیدنز مهم‌ترین گزاره کارکردگرایی را درباره ماهیت جامعه، تلاش در جهت «حفظ و توجیه نظم» در مقابل ایجاد تغییر و تحول اساسی و غیرقابل پیش‌بینی یا ناشی از تضادهای اجتماعی در ساخت‌های اجتماعی می‌داند (گولدر، ۱۳۹۴: ۴۵۵-۴۵۶). پیروان این مکتب، منازعه را در چهارچوب سه مفروض اصلی شامل توجیه نظم، مخالفت با تغییرات بنیادی و اعتقاد به تعادل اجتماعی بررسی کرده‌اند و از این‌رو ارزیابی مثبتی درباره تأثیرات منازعه بر حیات جمعی بشر ندارند. از این دیدگاه، منازعات به‌عنوان امری عارضی و بیرون نظام، تنها در شرایط فروپاشی هنجارهای مشترک اجتماعی امکان ظهور و بروز می‌یابند. واژه آنومی بیانگر این تلقی است و لذا جویای راهکاری متقن و فراگیر برای پرهیز یا «حل و فصل دائمی منازعات» می‌باشد (بشیریه، ۱۳۷۴: ۶۵):

در دیدگاه مارکسیستی، جامعه ترکیبی از نیروهای متضاد و کشمکش میان این نیروهاست که هم موجبات تداوم جامعه و هم زمینه دگرگونی آن را فراهم می‌کند. منافع اقتصادی متضاد منجر به منازعه و مبارزه طبقاتی می‌شود که در درازمدت دیگر منازعات مذهبی، نژادی و سیاسی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. نتیجه محتوم این تضاد، چیزی نیست جز قلیان منازعه سیاسی، فروپاشی سرمایه‌داری و جای‌گزین شدن آن با جامعه سوسیالیستی بی‌طبقه. تضاد، تولید و مبارزه، سه مفهوم کلیدی در اندیشه مارکس است (دیهیمی، ۱۳۸۵: ۴۷۵-۴۷۶). در واقع مارکس زمانی رابطه اجتماعی را منازعه می‌خواند که «کنش‌های مرتبط با آن، عملاً در جهت پیشبرد و خواست‌های یک فرد یا گروه برضد مقاومت دیگری یا دیگران باشد».



۲. منازعه و دیدگاه دولت‌محور (The State)

در این رویکرد دو دیدگاه شاخص نظریه‌های روابط بین‌الملل و نظریه‌های ژئوپلیتیک حضور دارند. در این رویکرد متأثر از اندیشه مدرنیته، با برتری دولت بر سپهر سیاست مواجهیم (بیتهام، ۱۳۹۲: ۲۰۱). دولتی که به‌مثابه «نهادی سیاسی که مدعی انحصار استفاده مشروع از زور فیزیکی در قلمرو معین است» معرفی می‌شود:

در نظریات روابط بین‌الملل، مطالعه منازعه بر پایه نظام بین‌الملل و ویژگی‌های آن و حول مفهوم جنگ و صلح ذیل نظریه‌های واقع‌گرایی، نواقح‌گرایی و نئولیبرالیسم انجام می‌شود. از این منظر آنچه جنگ‌طلبی را تشویق یا تحدید می‌کند، متغیرهای سیستمیک با محوریت دولت‌هاست. از جمله این نظریه‌های سیستمیک می‌توان به نئورئالیزم و نئولیبرالیسم اشاره کرد. البته در چند دهه گذشته، رویکردهای جدید از جمله سازهانگاری، به نیروهای وسیع‌تر اجتماعی-سیاسی توجه دارد؛

در نظریات ژئوپلیتیک، مطالعه منازعه بر پایه عوامل جغرافیایی و تمدنی تنش‌زا در روابط و مناسبات سیاسی میان کشورها و گروه‌ها با محوریت دولت-ملت‌ها ذیل نظریه‌های سرزمینی و هیدروپلیتیک، زیست‌محیطی، ژئوکالچری و ژئواکونومیکی صورت می‌پذیرد. همچون نظریه کشور فرضی پوتیتکای پیتر هاگت (Haggett, 2001: 521) و تغییرات زیست‌محیطی هامردیکسون (Homer-Dixon, 1993: 65-67).

در این مطالعات با وجود آنکه منازعه سیاسی به‌مثابه مفهومی چندلایه، توجه را هم به انواع گفتار و نهاد سیاسی و هم به قرار گرفتن در روابط جامعه و دولت سمت‌دهی می‌کند، مورد توجه نویسنده قرار نگرفته است. نقد اساسی که بر هریک از این دیدگاه‌ها وارد است، نگاه استیلایی به جامعه و دولت به‌عنوان تنها و مهم‌ترین بازیگر در منازعه‌ها و نیز در پیش گرفتن نگرشی تک‌بعدی و تک‌عاملی در تحلیل سرچشمه‌های منازعه است. الگوی جامعه‌ای در این زمینه باید هم‌زمان متغیرهای مربوط به فرد و اجتماع را متناظر با ابعاد گفتاری و نهادی دربرگیرد؛ آن‌گونه که لوئیس کوزر مؤلف عملکردهای منازعه اجتماعی، در سال ۱۹۶۷ می‌نویسد: «برخورد یا مغایرت ارزش‌ها و علائق، تنش به‌وجودآمده در میان آنها و فکر بعضی از گروه‌ها در مورد اینکه چگونه باید باشند.» براساس نظر کوزر، منازعه با عملکرد جلوبرندگی جامعه منجر به ایجاد نهادها، فناوری‌ها و سیستم‌های جدید می‌شود.

در آثار و مطالعات موجود می‌توان چندین نگرش را در تحلیل منازعات سیاسی مشخص کرد (ر. ک. Leung, 2009). هرچند با موضوع منازعه سیاسی در اندیشه





سیاسی امام خمینی^(ره) تحقیقی انجام نشده، کلیت موضوع منازعه سیاسی در سال‌های اخیر مورد توجه اندیشمندان سیاسی قرار گرفته است، که به برخی از این تحقیقات به شرح ذیل اشاره می‌شود:

موضوع محوری	نویسنده	عنوان اثر	نوع اثر	رویکردها
بررسی نظرات مهم‌ترین نمایندگان رویکرد تحلیل روان‌شناختی منازعه بین‌گروهی و ارائه فرایند شکل‌گیری تصورات (برون‌فکنی) و انتقال اهداف و شکل‌گیری هویت گروهی به‌وسیله والدین و تعریف دشمن است.	کارل کوردل (ترجمه عبدالله رمضانزاده)	منازعات قومی	کتاب	روان‌شناختی
بررسی تاریخی رویکردهای مطالعه منازعه سیاسی براساس الگوهای نظری و دسته‌بندی روش‌های مواجهه و حل منازعه	ابوالفضل دلاوری	تحول مفاهیم، نگرش‌ها و روش‌های حل منازعه	مقاله	جامعه‌شناختی
بررسی جامعه‌شناختی ریشه‌های اجتماعی کشمکش سیاسی سال ۱۳۸۸ ایران و تأثیر نهادمندی سیاسی و شکاف‌های اجتماعی	امیر نیاکوئی	جامعه‌شناسی منازعات سیاسی در ایران	مقاله	
مطالعه وضعیت دموکراسی، دخالت خارجی و تحریم به‌عنوان دلایل بی‌ثباتی و الگوی مردم‌سالاری به‌عنوان راهبرد ثبات‌بخشی سیاسی در ایران	عبدالمحمود محمدی لرد	عوامل مؤثر بر ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی ایران در دهه ۱۴۰۰ هجری شمسی	رساله	
بررسی جایگاه ساختاری شیعیان در منازعات سیاسی کشورهای خاورمیانه با رجوع به رویدادهای مهم تاریخ معاصر	احمد تقیب‌زاده	شیعه و منازعات سیاسی در خاورمیانه	مقاله	مطالعات تاریخی - تطبیقی
بررسی تأثیر تجربه کودتا، ساختار اداری فاسد، نظام آموزشی ضعیف و ذهنیت بی‌اعتمادی حکومت و مردم به یکدیگر	لیزا اندرسون	تحلیل وقایع بهار عربی	مقاله	
تقسیم‌بندی منازعه و مفهوم‌شناسی در روابط بین‌الملل ازجمله نظریات واقع‌گرایی، نئواقع‌گرایی و نئولیبرالیستی	ریباز قربانی‌نژاد	بررسی مفهوم منازعه در نظریه‌های روابط بین‌الملل و ژئوپلیتیک	مقاله	

مقاله	اوراسیا و بازتولید عقلانی جنگ سرد (جایه‌جایی در پارادایم منازعه)	مهدی عابدی	بررسی منازعات سیاسی حین و پس از جنگ سرد براساس رویکرد الکساندر ونت و تبیین مدل انتخاب عقلانی	نظریات روابط بین‌الملل
کتاب	تعارض‌های منطقه‌ای	جیمز ای‌گودبای (ترجمه سعیدآبادی)	بررسی همکاری یا دخالت قدرت‌های تراز اول جهانی برای پیشگیری و مدیریت منازعات منطقه‌ای و سرزمینی میان کشورها برای دستیابی به صلح	
مقاله	بررسی الگوهای حل و فصل منازعات و ارائه مدل بهینه حل منازعات سرزمینی	پیروز مجتهدزاده	بررسی نظریات تحلیل منازعه و واژگان مرتبط با حل و فصل منازعه و تبیین مدل‌های تحلیل منازعات جغرافیایی و سرزمینی	مطالعات ژئوپلیتیک
کتاب	صلح لیبرالی	آندرو لینکلتر (ترجمه علیرضا طیب)	مطالعه ابعاد منازعه در حوزه مباحث حقوق بین‌الملل و نظریات واقع‌گرایی و آرمان‌گرا	
کتاب	بررسی انتقادی رویکرد صلح از طریق قانون در نظریه‌های روابط بین‌الملل	هیدمی سوگانامی (ترجمه وحید بزرگی)	بررسی نظریات صلح در حوزه روابط بین‌الملل و مباحث حقوقی-قانونی مرتبط با آن در متون حقوق بین‌الملل	حقوقی

تعریف مفاهیم تحقیق

۱. مفهوم منازعه

از نظر لغتی، منازعه بر وزن مفاعل و منازعات (مصدر اسم) جمع منازعه و کلمه عربی است که به معنای نزاع و از هم کشیدن و کشمکش می‌باشد. منازعه در زبان چینیایی، خطر و فرصت مساعد معنا شده است. همچنین در زبان لاتین Conflict به معنای ستیزه، ناسازگاری و به هم ساییدن دو شیء جهت حصول شیء ثالث به کار رفته است. همچنین از این واژه در حوزه علوم روان‌شناختی و جامعه‌شناختی تحت معانی تعارض در انگیزه‌ها و اهداف استفاده می‌شود. گفتنی است واژه quarrel نیز در معانی ستیزه کردن معادل Conflict است که به صورت محدود در برخی متون تخصصی و فرهنگ‌نامه‌ها به کار رفته که بیشتر مشتمل بر منازعات غیررفتاری یا در سطح کلامی و پنهان است، که با توجه به رویکرد این پژوهش، قابل توجه می‌باشد. از نظر اصطلاحی تعریف منازعه همانند سایر مفاهیم علوم اجتماعی، هنوز هم مبهم و دشوار است.



این مفهوم توسط نویسندگان متفاوت به تناسب موقعیتی که در آن استفاده شده به شیوه‌های مختلفی تعریف شده است.

تعریف	صاحب نظر	برداشت
منازعه غیرطبیعی و موضوعی آسیب‌شناختی (بیماری) است که باید کاهش یابد یا از آن پرهیز شود و هرگز تشدید نشود (Bankovskaya Violetta, 2012: 6). منازعه در جایی که اقتدار مسئله‌دار شود، مسئله طبیعی است و می‌تواند با تکیه بر ایجاد تغییر و سازش، سازمان‌ها را بهبود بخشد (Karen L & Fleetwood, 1987: 56).	هوکر وویلومت (۱۹۸۵) کرووین و ادفلد (۱۹۸۷)	امری با تبعات منفی یا مثبت
منازعه، مبارزه ابرازشده بین حداقل دو طرف به‌هم‌وابسته است که اهداف ناسازگار، منابع کمیاب و دخالت طرف مقابل در دستیابی به اهدافشان را درک می‌کنند (Borisoff & Victor, 1998: 89). منازعه اختلاف نظر موجود در میان افراد یا گروه‌هاست که به سبب تفاوت در نگرش‌ها، باورها، ارزش‌ها یا نیازهاست.	هوکر و ویلمون (۱۹۸۵) توماس (۲۰۰۵)	تقابل خواست‌ها
منازعه، بیرون‌گذاری دیگری برای دستیابی به خواسته‌ها و موقعیت با تنزل دادن خواسته‌ها و موقعیت دیگری است (Piper, 2005: 32).	لی پایپر (۲۰۰۵)	بیرون‌گذاری دیگری
منازعه نباید فقط به رویارویی‌های خشونت‌آمیز بر سر منابع و ارزش‌ها محدود بماند، بلکه باید شامل آن موقعیت‌هایی هم باشد که در آنها منافع ناهم‌گرا و ارزش‌های ناسازگار به صورتی غیرخشونت‌آمیز و بدون اینکه لزوماً با حذف یا آسیب دیدن یک طرف دعوا همراه باشد، به رویارویی می‌پردازند (Oberschall, 1973: 30). مبارزه و کشمکش بر سر ارزش‌ها و مطالبه منزلت و قدرت و منابع کمیاب که در آن هدف هریک از طرفین، ختنی کردن یا نابود کردن رقبای خویش و صدمه زدن به آنان است (Coser, 1956: 3).	آنتونی ابرشال لوئیس کوزر	منازعه به‌مثابه تقابل و طرد

۲. مفهوم منازعه سیاسی

در تعریف منازعه سیاسی (Political conflict) باید توجه داشت که عرصه سیاست با مفهوم «قدرت» ارتباط پیوسته‌ای دارد. در بیان قدرت در عرصه سیاسی چند ویژگی شاخص قابل احصاست:

مقوله‌ای جمعی و اجتماعی مبتنی بر روابط انسان‌ها؛

برخورداری از منابع و آثار فردی و اجتماعی؛

توانایی اعمال نظر، اراده یا عملی به‌رغم مقاومت دیگری؛

توانایی تصمیم‌گیری و شکل‌دهی به ترجیحات در عرصه جامعه و دولت؛

انحصاری و کمتر قابل تقسیم و تکثیر بودن.

در برداشت و تحلیل نسبت میان «قدرت» و «منازعه»، توجه به دو رویکرد تعیین‌کننده است: «قدرت برای» (قدرت پیامدی) و «قدرت بر» (قدرت اجتماعی). در این چهارچوب، قدرت اجتماعی عبارت است از توانایی کنشگر برای تغییر ساختار



انگیزشی (Incentive Structure) کنشگران یا کنشگر دیگر، به گونه‌ای تعمدی، تا به بروز پیامدهایی منجر شود یا به انجام آنها کمک کند. از این رو قدرت برای، متضمن همکاری است، اما قدرت بر، متضمن کشمکش است؛ و آن گونه که وبر می‌گوید: «سیاست تماماً متضمن کشمکش است» (خرمشاد، ۱۳۸۸: ۱۰). بر این اساس سیاست مجموعه‌ای از پراتیک‌ها، گفتارها و نهادهایی است که در پی ایجاد نظم خاص و سازمان‌دهی همزیستی در شرایطی است که همواره به صورت بالقوه می‌تواند منازعه‌آمیز باشد؛ منازعه‌ها و خصومت‌های غیرقابل‌رفعی که بر سر قدرت (فرایند سلطه) تداوم دارد.^۱



۳. منازعه سیاسی در ادبیات قرآنی

در تبیین اندیشه سیاسی امام خمینی ره درباره مفهوم منازعه سیاسی، با توجه به ویژگی ایشان به عنوان عالم دینی و رهبر سیاسی-مذهبی، نگاهی داریم به آیه ۴۶ سوره انفال که می‌فرماید: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ». شیخ طوسی به نقل از امام باقر (ع) می‌گوید این آیه مربوط به جنگ بدر و در میانه جهاد با دشمنان است و در موقعیتی نازل شده است که عده‌ای از اصحاب پیامبر ص درباره موضوعی به اختلاف برخوردند و نزدیک بود نزاعی داخلی ایجاد شود. عبارت «لا تنازعوا»، یعنی از نزاع و اختلاف و پراکندگی بپرهیزید تا در برابر دشمن یا در جهاد سست نشوید. عبارت «تذهب ریحکم» پیامد منازعه است؛ یعنی صولت، هیبت و عظمت شما از بین خواهد رفت. عبارت «واصبروا» در تداوم آیه قبل است که خدا دستور پایداری و استقامت (از جنبه جسمانی و ظاهری) داده بود. در این قسمت از صبر، که بیشتر جنبه روانی و باطنی در برابر مشقت جهاد و اطاعت را دارد یاد شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: سوره انفال).

۱. فوکو معتقد است حکومت بین روابط باثبات و سلسله‌مراتبی سلطه و روابط قابل واژگونی قدرت قرار دارد و نه در مرکز آن. از این رو فوکو با طرح ایده «حکومت‌پذیری» اعلام می‌دارد حکومت کردن از طریق نهادهای دولت، تنها جنبه استراتژی‌های مربوط به حکومت‌پذیری است و «هدایت رفتار» به شیوه‌های گوناگون در نهادها و کردارهای سراسر حوزه اجتماع صورت می‌گیرد (نش، ۱۳۸۰).



امام خمینی ره با استناد به این آیه شریفه می‌گویند:

از مسائل مهم سیاسی قرآن، دعوت به وحدت و منع از اختلاف است، با تعبیرهای مختلفی که در قرآن کریم هست؛ منع تنازع بین مسلمین و سران مسلمین است که نکته‌اش را هم فرموده است که «لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ». ما بررسی کنیم به اینکه آیا این دو اصل مهمی که دو اصل سیاسی مهم اسلامی است، در بین مسلمین چه وضعی دارد. آیا مسلمین اعتنایی کرده‌اند به این دو اصل؟ و آیا تبعیتی کرده‌اند از این دو اصل مهمی؛ که اگر اطاعت از آن بکنند، تمام مشکلات مسلمین حل می‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۳۵).

ایشان می‌فرمایند: «قرآن کریم اخطار کرده است به اینکه اگر تنازع کنید، فشل می‌شوید. شما آثار فشل را در مسلمین مشاهده می‌کنید، آثار فشل را در کشورهای عربی مشاهده می‌کنید.»

۴. منازعه سیاسی و امنیت در اسلام

در بررسی چهل آیه قرآن مجید، ابعاد امنیت در جامعه، شامل امنیت گفتاری (نساء: ۸۶)، امنیت رفتاری (عنکبوت: ۴۶)، امنیت روانی (انفال: ۶۳) و امنیت و ثبات سیاسی (نساء: ۵۸) مطرح است که حیات سیاسی جامعه منوط بدان است و بسیاری از منازعات سیاسی، ریشه در بی‌توجهی بدان‌ها دارد. با مطالعه آیات مذکور، می‌توان تفکیکی میان محیط داخلی و خارجی و بازیگران (مؤمنان، منحرقان، منافقان و کافران) کرد. لذا در خصوص مؤمنان دستور به برادری و اصلاح روابط و در خصوص منافقان دستور به برخورد و اعراض می‌دهد و درباره کفار عدم دوستی و عدم اطاعت و برخورد متناسب با رفتار متقابل را تجویز می‌کند. در واقع هر نوع منازعه‌ای در این دیدگاه نفی و طرد نمی‌شود، بلکه منازعه متناسب با عوامل و بازیگران و آثار و تبعات قابل تحلیل است. حضرت امام خمینی^(ع) در اشاره به این مطلب، اختلاف سلیقه و آرا را عامل ضعف امنیت و انحطاط جامعه نمی‌دانند، بلکه در صورتی که موجب حفظ وحدت اصولی باشد و منجر به دشمنی نشود، مطلوب است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۲۱۱).

جرویس و ماندل بر این باورند که در جهان پس از جنگ سرد، ممکن است برخی از بزرگ‌ترین منازعات و خطرهای ملی و جهانی، حاصل برنامه‌ریزی تجاوزکارانه، آگاهانه و عمدی رقیبان سیاسی-امنیتی شناخته‌شده نباشد (ماندل، ۱۳۷۷: ۲۵)، بلکه فرایندی تعاملی از تقابل منافع اعمال قدرت بازیگران بر یکدیگر و طرد و بیرون‌گذاری



غیراز محیط جامعه و دولت باشد. تهدیدها و منازعات از این نوع، اغلب می‌تواند ضریب ناامنی و بی‌ثباتی گسترده‌تر و شدیدتری پدید آورد (کلینتون، ۱۳۷۹: ۱۸). در این شرایط با شناسایی مقوله «ما» و «دیگران» در مطالعات پست‌مدرن (لاین، ۱۳۹۴: ۳۰)، امنیت از محدودیت تک‌سطحی به درآمده و در دیدگاه‌های تعاملی و نو، ابعاد گفتاری، نهادی و ارتباطی به بعد سنتی آن (نظامیگری) افزوده شده است. امروز امنیت با نیازهای دولت‌ها، بازیگران سیاسی و مردم و مفاهیمی مانند کسب و حفظ، بسط قدرت یا ممانعت از اعمال آن از سوی دیگری و نیز ناسازگاری و تقابل خواسته‌ها و منافع (روانی-واقعی) گره خورده است.

تعیین این وضعیت در کشورهای جهان سوم، به دلیل گسترش منازعه در جای‌جای این کشورها و مداخله سایر بازیگران در امور داخلی آنها باعث شده است^۱ ضمن تبدیل منازعات سیاسی بومی به منازعات میان کشورها، فرصت رخنه رقابتی جهانی در این کشورها فراهم شود. هزینه‌های امنیتی، ضعف نهادگرایی و دولت‌سازی و محدودیت‌های برقراری صلح و اجماع از طریق دموکراسی، از موانع کنترل منازعات و شیوع بی‌ثباتی و ناامنی است (ایوبی و محمودی، تابستان ۱۳۸۱: ۵۱۰-۵۱۱).

چهارچوب مفهومی تحقیق

در دهه دوم بعد از جنگ سرد، به دنبال تشدید نگرانی اندیشمندان و سیاستمداران درگیر در زمینه منازعات سیاسی داخلی و منطقه‌ای، مقوله «صلح» به جای مقوله «توسعه» مورد توجه قرار گرفت و با مطرح شدن این پرسش که «در چه زمانی منازعه داریم؟ و تحت چه شرایطی منازعه اتفاق می‌افتد؟»، شاهد ظهور نگرش موقعیت‌گرایانه بودیم. از این دوره گرایش به مطالعه و تأسیس فرایندها و سازمان‌ها افزایش یافت؛ به نحوی که مدعی جای‌گزینی موقعیت‌ها یا ساختارهایی به جای جنگ بودند. در سال ۱۹۸۴ برکوپیچ به‌عنوان نماینده دیدگاه موقعیتی بود که معتقد بود منازعه به وضعیت بستگی دارد و ایجاد منازعه ناشی از شرایط مختلفی مانند تأثیر شخص یا عوامل خارجی است.

تحت تأثیر دیدگاه موقعیتی و نضج منظرگاه پست‌مدرنیستی و گسترش برداشت‌های مثبت از منازعات سیاسی، دیدگاه تعاملی مطرح شد. این دیدگاه را با التجا به انگاره

۱. امنیت مفهومی برخاسته از جامعه است و در جامعه ساخته و پرداخته می‌شود. از این منظر امنیت ملی پدیده‌ای داخلی، بین‌تهدیدات، آسیب‌پذیری‌ها، توانایی‌ها و ساختارهای ذهنی و عینی ملت برای غیرامنیتی کردن مسائل است که با توسل به بازیگران و عناصر مختلف صورت می‌گیرد.

زبانی لودویگ ویتگنشتاین می‌شناسیم؛ به نحوی که «با اعلام زبان به‌عنوان وجه امتیاز انسان از سایر جانوران، منتها زبان پدیده‌ای از بیخ و بن اجتماعی، فهم معناداری عمل و گفتار به کارکرد آن در فرم‌های زندگی ارجاع می‌شود» (مگی، ۱۳۸۹: ۹۲)؛ به‌گونه‌ای که هیچ‌چیز خارج از زبان وجود ندارد. پس سیاست نیز در بستر زبان و گفتار رخ می‌دهد. همچنین دیدگاه تعاملی کار خود را با بررسی و نقد مقولاتی از جمله تصویر جهان اجتماعی (جامعه)، کنش طبقات اجتماعی و عقل قانون‌گذار آغاز کرد و به‌طور کلی تصویر ارتدکس نظام اجتماعی-سیاسی هماهنگ و سلسله‌مراتبی را رها کرد و تصویر محیط اجتماعی سیال‌تر و فرایند گونه‌ای را به جای آن نشاناد.

این برداشت جدید که «دیدگاه تعاملی» خوانده شده، توسط اندیشمندانی از جمله پروفیسور وایمن (۲۰۱۲) و روبنس (۲۰۰۵) تبیین شده است. براین اساس اگر بخواهیم دیدگاه تعاملی را در تحلیل منازعات اتخاذ کنیم، نباید پرسیم که منازعه چه چیزی را تبیین می‌کند، بلکه باید پرسیم چگونه می‌توانیم پدیده‌هایی را که شواهد منازعه به‌شمار می‌آیند، تحلیل کنیم. در همین راستا پرسش‌های دیدگاه تعاملی عبارت‌اند از اینکه «منازعه به چه صورت است؟» و «چه گزاره‌ها و فرایندهایی برای بیان آن استفاده می‌شود؟» (Bankovskaya, May 2012: 10-20). درمجموع دیدگاه تعاملی، صورت‌بندی منازعه را ناشی از گزاره‌های ذیل می‌داند (Robbins, 2005: 154):

منازعه کاری که مربوط به محتوا و اهداف کار است؛
 منازعه ارتباطی که بر روابط بین کارگزاری متمرکز است؛
 منازعه فرایندی که مربوط به ساختارها و نهادهای انجام کار است.
 در ادامه به بررسی پاسخ‌های دیدگاه تعاملی به پرسش‌های محوری مطالعات منازعه و منازعات سیاسی می‌پردازیم.

۱. عوامل و پیش‌ران‌های منازعه

عوامل مؤثر بر منازعه به سه بخش تقسیم شده است:
 ارتباطی: واژه ارتباطات متشکل از معانی ضمنی واژه‌ها و اصطلاحات است. تبادل ناکافی اطلاعات و اختلال در کانال ارتباطی، می‌تواند از علل منازعه باشد. بنابراین، ارتباطات بیش‌ازاندازه کم یا زیاد ممکن است مبنایی برای منازعه باشد؛
 نهادی: این اصطلاح شامل بسترهایی مانند اندازه، میزان تخصص در وظایف محوله به اعضای گروه، شفافیت در حدود اختیارات قانونی اعضا، سازگاری اعضا با هدف،



سبک رهبری، سیستم پاداش و میزان وابستگی درون‌گروهی است. بیشتر از همه، تخصص و اندازه برانگیزاننده منازعه است. عامل نهادی بر سطحی کلان‌تر در منازعه سیاسی تأثیرگذار است؛

گفتاری: شامل سیستمی برای ارزیابی ارزش افراد است که در مطالعات منازعه اجتماعی به نام تفاوت در سیستم‌های ارزش وجود دارد. تفاوت ارزش‌ها می‌تواند مسائل متنوعی را توضیح دهد. برای مثال می‌تواند پیش‌داوری در اختلاف‌ها نسبت به سهم هر فرد در گروه باشد یا پاداش‌هایی که یک فرد سزاوار آن است. عامل گفتاری سطحی خرد تر در منازعه سیاسی تأثیرگذار است.

۲. بازیگران و انواع منازعه

در تعیین بازیگران فعال در بروز یا کنترل منازعه، چهار نوع بازیگر برشمرده می‌شود (Aula & Siira, 2010: 31):

منازعه بین‌فردی: نزاعی که در شکل بین افراد است. منابع این منازعه ممکن است بیزاری‌های شخصی یا تفاوت‌های شخصیتی باشد. کینیکی و کریتنر در مطالعه‌ای در سال ۲۰۰۸ اعلام کردند منازعه بین‌فردی معمولاً از آزردهی‌های ناچیز و گستاخی افراد به دیگری آغاز می‌شود و غالباً نیز از شخصیت افراد ریشه می‌گیرد (Kinicki & Kreitner, 2008: 89)

منازعه درون‌گروهی: منازعه درون گروه، جریان یا بخش داخلی است و بیشتر از یک نفر در گروه را شامل می‌شود. این منازعه همه اطرافیان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و ممکن است با قومیت‌ها، تعصبات نژادی یا جنسیتی یا تفاوت‌های شخصیتی مرتبط باشد. برای مدیریت این نوع، وجود طرف سوم مورد اعتماد، بی‌طرف و دارای تجربه می‌تواند مفید باشد (Jones & George, 2008: 45)؛

منازعه بین‌گروهی: این نوع منازعه می‌تواند بین جریان‌ها یا جناح‌های سیاسی یا در میان کارگزاران سیاسی بر سر قدرت رخ دهد و زمانی که مردم نیز در صحنه این نوع حاضر باشند، سطح منازعه پیچیده‌تر خواهد شد. چنین منازعه‌هایی می‌توانند برخاسته از تفاوت‌ها در وضعیت و اهداف متناقض گروه‌ها باشد. این نوع منازعه اگر ادامه یابد، می‌تواند منجر به اختلال در فرایندهای طبیعی و انحطاط سیستم شود (Green, 2012: 89). منازعه بین گروه‌ها تهدیدی برای رقابت‌پذیری است. نکته درخور توجه تولید احساس انسجام و ساخت هویت یک‌پارچه در درون و تلاش برای فاصله‌گذاری و غیریت‌سازی و تقلیل طرف مقابل است (Kinicki & Kreitner, 2008: 45).



۳. فرایند و مراحل منازعه

مرحله اول: ناسازگاری یا تقابل بالقوه: شامل شرایطی است که فرصتهایی را برای شروع منازعه ایجاد می‌کند؛

مرحله دوم: ادراک و شخصی‌سازی: موضوعات مرتبط با منازعه باید تعریف شوند. طرفین تصمیم می‌گیرند که نزاع درباره چیست و احساسات دارای نقش مهمی در به وجود آوردن ادراک‌اند؛

مرحله سوم: اهداف یا قصدها: قصدها را می‌توان به‌عنوان مداخله‌گری میان ادراک و احساسات مردم و رفتار آشکار آنها توصیف کرد. افراد با توجه به دیدگاهشان به وضعیت به‌وجود آمده، تمایل به همکاری (درجه تمایل یک طرف برای برآورده کردن منافع طرف مقابل) یا طرد و استقامت (درجه‌ای که یک طرف تنها می‌خواهد منافع خود را برآورده سازد) اهداف را انتخاب می‌کنند؛

مرحله چهارم: رفتار و نتایج: در این مرحله منازعه مشهود و علنی می‌شود و بازیگران میل به تمرکز بیشتر بر این مرحله دارند. طرف‌های منازعه اقدام به بیان اظهارات و انجام کنش‌ها و واکنش‌ها می‌کنند. ممکن است برخی از سو محاسبه‌ها غیرحرفه‌ای وجود داشته باشد. از همین رو رفتارهای آشکار ممکن است با اهداف اصلی متفاوت باشد. این مرحله، فرایند پویایی از تعامل است.

۴. آثار و تبعات منازعه

در منازعه هر گفتار و رفتار، پیامدهایی در دو شکل کارآمد و ناکارآمد را در پی دارد. تفاوت میان این دو، در منابع آنها نیست، بلکه در حالت بیان است (Whetten & Cameron, 2012: 67)

سازنده و کارآمد: این شکل، از اهداف نظام پشتیبانی می‌کند و عملکرد آن را بهبود می‌بخشد. در واقع منازعه کارآمد ممکن است موجب ترغیب برای تلاش کاری بیشتر شود و به عملکرد کاری کمک کند. این منازعه می‌تواند الهام‌بخش ایده‌های جدید، یادگیری و رشد در میان افراد باشد (Kinicki & Kreitner, 2008: 56). در این چهارچوب دیوید اوگسبورگ (۱۹۹۲) معتقد است: «اگرچه منازعه فرایندی پیچیده است، می‌تواند روابط را تقویت کند. اگر منازعه به‌درستی مدیریت شود، باعث ایجاد روابطی قوی‌تر، سالم‌تر و رضایت‌بخش‌تر و نیز افزایش انسجام گروه‌ها خواهد شد» (Martin, 2007: 35)؛



مخرب و ناکارآمد: این شکل مانعی در برابر عملکرد سازمان است و منجر به کاهش بهره‌وری می‌شود. این سوگیری منازعه زمانی است که منافع بخشی و شخصی بازیگران، مهم‌تر از منافع کلان تلقی شود.

روش‌شناسی تحقیق

در این مقاله به دنبال دستیابی به «فهم روندی، ژرف، تاریخی و عقلانی» (اسپریگنز، ۱۳۸۹: ۳۰) از منازعه سیاسی در اندیشه امام خمینی^(ره) هستیم. روش «تحلیل محتوای کیفی» (Qualitative content analysis) با تکیه بر روش‌شناسی کریپندورف و هولستی را انتخاب کرده‌ایم (کریپندورف، ۱۳۹۱: ۲۸) و بیانات و نوشته‌های امام خمینی^(ره) که در ۲۱ جلد صحیفه و سایر آثار مکتوب ایشان منتشر شده است، بخش مهمی از محتوا را تشکیل می‌دهند که از منظر سه رکن اندیشه‌شناختی (بینشی، گرایشی و کنشی) جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل خواهند شد.

مطابق روش‌شناسی کریپندورف و هولستی در تحلیل محتوای کیفی چند خصیصه وجود دارد: اولاً خصیصه استنباطی کدگذاری واحدهای نوشتاری برحسب مقولات مفهومی؛ ثانیاً این استنباطها را جان کلام تحلیل محتوا می‌دانند. لذا هر دو در تعریفشان شناسایی انواع آراء، ارزش‌ها و نگرش‌ها را که موضوع تحلیل محتوا هستند مورد تصدیق قرار داده‌اند. علاوه بر این، کریپندورف بر اهمیت مرتبط کردن طبقه‌بندی، مقوله‌بندی و شمارش فراوانی‌ها آنها به پدیده‌های دیگر تصریح می‌کند.

۱. واحد تحلیل و مقوله تحلیل عناصر اصلی تحلیل محتوا

موریس دوورژه به نقل از برلسون بیان می‌کند: «تحلیل محتوا به سبب مقوله‌بندی‌هایش موفق می‌شود یا شکست می‌خورد» (دوورژه، ۱۳۶۲: ۱۲۶). این سخن بیانگر اهمیت مقوله‌ها و واحدها در تکنیک تحلیل محتواست.

واحد تحلیل، کوچک‌ترین جزء پیکره متن است که برای رسیدن به هدف پژوهش در آن رویدادها و توصیف مفاهیم بررسی می‌شود. در این مقاله واحدهای تعریف‌شده نحوی عبارت‌اند از: کلمه، جمله، متن کامل و واحدهای تعریف‌شده معنایی نیز شامل شخص و عبارت هستند که با محوریت پیام‌هایی (متون نوشتاری و گفتاری) است که از سوی امام خمینی ره منتشر شده است؛ شامل ۱. بیانات و گفت‌وگوها؛ ۲. پیام‌ها و اطلاعاتی‌ها.



مقوله تحلیل، ابزار اصلی تحلیل محتواست و منظور آن است که هنگامی که واحد تحلیل معین شد، باید مشخص شود که واحدهای استخراج شده و بررسی شده چگونه دسته‌بندی می‌شوند. عناوین اینها مقوله تحلیل را تشکیل می‌دهند.

۲. سازه جمع‌آوری و استنباط در تحلیل محتوا با تکیه بر مدل بنیادین گلاسر و استراوس در این مقاله اطلاعات به روش اسنادی (کتابخانه‌ای) گردآوری شده است و سعی خواهد شد از تمام داده‌های موجود که ارتباطی با سؤال اصلی پژوهش دارند استفاده شود. علاوه بر روش جمع‌آوری، روش استنباط یا تئوری‌ها نیز در تحلیل محتوای کیفی اهمیت فراوانی دارند. تئوری‌ها شامل شرح خصوصیات مفاهیم، نوع و درجه تحلیل منطقی بین عوامل تشکیل‌دهنده و طریقی که آن علم در تحقیقات تجربی به کار می‌رود، است (کیا، ۱۳۷۳: ۳۳). نظریه بنیادین (Grounded Theory) به‌عنوان روش جدید تحقیق برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهشی در دهه ۱۹۶۰ مطرح و برای اولین بار توسط گلاسر و استراوس در سال ۱۹۷۰ معرفی شد. شالوده اصلی نظریه بنیادین استخراج کدها، مفاهیم و طبقه‌بندی‌ها در چند گام است که می‌توان برای کشف حقایق و واقعیات نهفته در پشت متن و داده‌ها بهره گرفت (Glaser, 1992: 89):

کدها، مفاهیم و طبقه‌بندی‌ها (صوفی، بهار ۱۳۸۴: ۵۷-۵۹)؛

تشکیل مفاهیم؛

طبقه‌بندی؛

تدوین نظریه و نظام مقوله‌بندی (شیرزاد، ۱۳۷۶: ۲۹).

ساختار اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

از دیرباز دین اسلام در تقسیم‌بندی کلاسیک، به سه بخش عمده اعتقادات، اخلاقیات و احکام عملی تقسیم می‌شود. این تعالیم معطوف به ابعاد وجودی انسان است. می‌توان از سه‌بخشی بودن اجزای دین اسلام، سه‌بعدی بودن انسان را نتیجه گرفت (برزگر، پاییز و زمستان ۱۳۸۹: ۴۶). بینش عقلانی، گرایش‌های عاطفی و کنش ظاهری به ترتیب به عقل، قلب و جوارح انسان تعلق می‌گیرد که از محورهای اساسی و پارادایم علم روان‌شناختی است. در این راستا و برای انسجام‌بخشی و سامان‌دهی نظری پژوهش، از الگوی ابداعی دکتر ابراهیم برزگر با عنوان «ساختار فهم اندیشه سیاسی اسلام» بهره می‌گیریم.



در مقام فهم ساختار اندیشه سیاسی امام خمینی^(۵) تلاش است با طراحی سازه‌های شش‌ضلعی، ضمن توجه به سه رکن بینش-عقاید، گرایش-اخلاق و کنش-فقه اسلامی از دریچه عوامل سه‌گانه منازعه شامل ارتباطات، نهادمندی، گفتار و متغیر کارگزاری که در دیدگاه تعاملی مطرح شد، به مطالعه و تحلیل مفهوم منازعه سیاسی در اندیشه امام بپردازیم. در این نوشتار به «شیوه تحلیل پسینی» یا همان «اسلام محقق» به بررسی آرای کلامی، اخلاقی و فقهی حضرت امام خمینی^(۶) با نیم‌نگاهی به آیات و روایات و به بازشناسی مفهوم منازعه در چهارچوب آخرین پرسش‌ها و مؤلفه‌های مطالعات حوزه منازعه سیاسی می‌پردازیم.

۱. بینش سیاسی: توحیدمحوری و اصل وحدت

در اندیشه امام محور همه اقدامات بازیگران سیاسی و مبانی همه تصمیم‌ها و موضع‌گیری‌های فردی و جمعی، باید اراده تشریعی خدا و قوانینی باشد که خدا در راستای هدایت، سعادت و شکوفایی استعدادهاى بشر تشریح و ابلاغ کرده است (افتخاری، ۱۳۹۲: ۱۶۱). پیامد این بینش، وحدت عالم تحت لوای اسلام و اجرای احکام اسلامی است (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۶: ۴۶).

۲. گرایش سیاسی: عدالت‌محوری و اصل اعتدال

در اندیشه امام، عدالت والاترین آرمان و بنیان و اساس اسلام است. برخی از شاخص‌های آن عبارت‌اند از: معیار و میزان بودن عدالت و قسط، ملاک شناسایی حق از باطل و اسلام از غیر اسلام، فطری بودن و در عداد جنود عقل قرار داشتن، غایت انسان و جامعه بودن، وظیفه و مسئولیت انسانی و فریضه بودن، سیره پیامبران و اوصیای حق، و نیز عامل توسعه و رفاه جوامع بشری (همان، ج ۲۱: ۴۰۷).

۳. کنش سیاسی: قانون‌محوری و اصل التزام به قانون

از مهم‌ترین عوامل حفظ نظم و ثبات و تحقق وحدت و عدالت، گردن نهادن به حکم قانون است. از نظر امام تخلف از قانون، نوعی ردیلت و مخالف تعالیم اسلام است: «اگر تخلف از احکام حکومت اسلامی بکنید، این ردیله است. پیش خدا صحیح نیست. در اسلام باید نظم مقرر باشد» (همان، ج ۱۳: ۱۳۴). نزد ایشان التزام به قانون، محدود به قوانین اسلام و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیست؛ به نحوی که به ایرانیان مقیم کشورهای دیگر نیز درباره رعایت قانون آنها تذکر می‌دهند.



۴. ارتباطات سیاسی: امام-امت محوری و اصل حکومت اسلامی

حکومت اسلامی در اندیشه امام خمینی ره ضرورت و الزام شرع و عقل بوده که بر مبنای نظریه امامت در عصر غیبت جاری است. در این دوره فقیه جامع‌الشرایط (عادل، آگاه، باتقوا) را ولیّ مشروع می‌دانند که مکلف بر اقامه اسلام در سیاست و جامعه است، اما تحقق این ولایت فقیه در مقام ثبوت را منوط به کسب مقبولیت و پذیرش امت می‌دانند (فوزی، ۱۳۸۴: ۱۰۳). ارتباط امام-امت، رابطه مبتنی بر سه رکن گفته شده است و نتیجه آن، پیوند و حقوق متقابل مردم و نظام سیاسی و اولین مشارکت مردم در حکومت اسلامی است (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۴۹۵).

۵. نهادمندی سیاسی: مردم‌سالاری دینی و اصل جمهوری اسلامی

امام در آستانه پیروزی انقلاب به بازتعریف نظریه‌های حکومت اسلامی و ولایت فقیه در قالب نظام سیاسی متناسب با شرایط زمان و مکان اقدام کردند؛ نظام سیاسی دارای دو رکن جمهوریت و اسلامیت: «جمهوری فرم و شکل حکومت را تشکیل می‌دهد و اسلامی یعنی محتوای آن فرم، قوانین اسلامی است» (همان، ج ۵: ۳۹۸). جمهور در انتخاب کارگزاران مشارکت و بر معروف-منکر در نظام اسلامی نظارت و مسئولیت همگانی دارند (همان، ج ۱۳: ۴۶۹).

۶. گفتار سیاسی: مسئولیت‌شناسی و اصل برادری و رقابت

باتوجه به نقش مهم کارگزاران جامعه اسلامی در پیاده‌سازی اهداف اسلام و حسن سلوک و رفتار با مردم، شاخص‌های امام در عرصه مدیریت نظام سیاسی، متناظر با پنج رکن گفته شده است. باین حال در آثار امام دو نکته در خصوص کارگزاران مورد تأکید است: نخست، مسئولیت‌پذیری نخبگان و کارگزاران سیاسی در قبال یکدیگر و اسلام براساس احساس تکلیف و امانت‌داری مسئولان (موسوی خمینی، ۱۳۷۰: ۱۹۹)؛ دوم، انتقادپذیری (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۴: ۳۶۸) و رقابت برای انجام صحیح تکلیف و برادری و تعاون برای تحصیل بیشترین بازده مادی و معنوی در جامعه: «همه مسئولیم در برابر خدا و در مقابل وجدان، و همه‌مان باید مراعات بکنیم» (همان، ج ۱۰: ۱۰۹).



تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق (مراحل و گام‌های استنباط در تحلیل محتوا) با توجه به انتخاب نظریه بنیادین گلاسر و استراوس به عنوان روش تحلیل محتوا و اهمیت تعیین شناسه برای احصای نکات کلیدی، استنباط مفاهیم، طبقه‌بندی و تدوین نظریه منازعه سیاسی در اندیشه امام خمینی ره، شناسه‌ها به شرح ذیل تعریف می‌شوند:

شناسه	نوع داده		نام	
Kh _s	S (Statement)		Kh	امام خمینی ره
Kh _w	W (written works)			

همچنین مقطع زمانی تولید یا انتشار داده مقابل کد شناسه درج می‌شود.

۱. استخراج نکات کلیدی و احصای کدها

شناسه	نکات کلیدی	کد
۱۳۳۳Kh _w 1	اگر اقرار به وقف کند، سپس ادعا نماید که اقرارش به جهت مصلحتی بوده، از او شنیده می‌شود، لیکن در صورتی که منازعه صالحی با او منازعه کند، احتیاج به اثبات آن دارد (تحریر الوسيله، ج ۲: ۹۴).	اهمیت شخصیت منازعه‌کننده در رد و قبول ادعاها انطباق و سازگاری با ارزش‌ها و مردم
۱۳۳۳Kh _w 2	برای هریک از «مدعی» و «مدعی‌علیه»، توكیل در خصومت و مرافعه جایز است؛ بلکه برای صاحبان مروّت و شخصیت از اهل شرف و منصب‌های بزرگ، مکروه است که خودشان متولی منازعه و مرافعه شوند؛ خصوصاً در صورتی که طرف، بدزبان باشد. وظیفه وکیل مدعی این است که نزد حاکم بر مدعی‌علیه تشریح دعوی نموده و اقامه بیّنه بر اثبات دعوی نماید (همان: ۵۰).	خودداری از حضور در منازعه مخرب متناسب شأن اجتماعی و ارزش‌ها رجوع به قانون و دستگاه قضایی در منازعه تعریف نفر ثالث به‌عنوان وکیل در منازعه
۱۳۳۳Kh _w 3	برای موصی جایز است که وصایت را برای دو نفر و بیشتر قرار دهد... و اگر منازعه کنند و اجتماع ننمایند، حاکم آنها را بر آن مجبور می‌کند یا آنها را تغییر می‌دهد؛ و این در صورتی است که نزاع آنها به جهت اختلاف آنها در اجتهاد و نظرشان نباشد؛ وگرنه آنها را بر نظر سومی ملزم می‌کند (همان: ۱۰۱).	تعریف نفر ثالث به‌عنوان ناظر و قاضی در منازعه ضرورت اجماع در برابر منازعه
۱۳۳۳Kh _w 4	در شنیدن دعوی مدعی اموری شرط است: ۱. «مدعی‌به» به نحوی معلوم باشد؛ ۲. از دعوی اجنبی نباشد؛ ۳. عقل است؛ ۴. مدعی طرفی (واقعی) داشته باشد که بر او ادعا کند (همان: ۴۳۹).	خودداری از مداخله غیر و اجنبی در منازعه واقعی و معلوم بودن دلیل یا عامل یا هرآنچه بر سرش منازعه است

<p>احکام و قوانین الهی و اسلامی حد و مرز منازعه خودداری از منازعه با خدا</p>	<p>این ننگ جهل و عار پستی نظر را از خود دور کن، و متصف به صفات انبیا شو، و صفت شیطان را به یک سو انداز، و منازعه با خدای خود در ردای کبریا یا او مکن که منازع با حق، مقهور غضب او خواهد شد و به رو در آتش خواهد افتاد. کسی که منازعه کند خدا را در آن، خدای تعالی او را در هم شکند و ذلیلش کند روز قیامت (شرح جهل حدیث: ۸۶).</p>	<p>۱۳۱۸Kh_w5</p>
<p>تقسیم‌بندی منازعه به دو سطح فردی و سیاسی تعریف نفر ثالث به‌عنوان قاضی و مجری در منازعه تکیه بر عناصر و مؤلفه‌های اجماع‌ساز</p>	<p>منازعه‌ای که واقع می‌شود، دو نوع است: یک نوع، اختلاف بین دو دسته یا دو نفر سر موضوعی. این موضوع اثبات شرعی یا عرفی لازم دارد (دعاوی حقوقی). در این مورد باید برای دادرسی به قضات رجوع شود؛ نوع دیگر، ظلم و جنایت است. در چنین مواردی مرجع و مسئول قاضی نیست، بلکه مدعی‌العموم (دادستان) است. قرآن می‌فرماید: «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ» اعم از حکومت و قضاوت می‌باشد. در هر امری از امور بین شما نزاع واقع شد، مرجع در احکام خدا، و در اجرا رسول (حکومت اسلامی) است (ولایت فقیه: ۸۳).</p>	<p>۱۳۳۸Kh_w6</p>
<p>تأکید بر منازعه با دیگران برای مردم و بر سر منافع و ارزش‌های جمعی</p>	<p>چه اختلاف شخصی من (امام خمینی ره) با تو (محمدرضا پهلوی) دارم؟ نزاع ما سر ملت است، سر اسلام است که تو داری تمام مخازن ایران را به باد می‌دهی و به دیگران می‌دهی (صحیفه امام، ج ۴: ۱۳۷).</p>	<p>۱۳۵۷Kh_s7^{۱۸}</p>
<p>تأکید بر منازعه با دیگران برای مردم و بر سر منافع و ارزش‌های جمعی تکلیف نخبگان و مردم برای منازعه با دشمن مردم و اسلام</p>	<p>مبارزه و معارضه‌ای با ظلم و ظالم کردیم؛ با کسی که می‌خواست یک مملکتی را خراب کرده است و همه مصالح مسلمین را زیر پا گذاشته و به کفار داده است، با این جنگ و نزاع کردیم؛ خون دادیم؛ خون گرفتیم. همه این کارها را کردیم، اما تکلیف بوده است که کردیم. رسیدیم به مقصد الحمد لله، نرسیدیم به مقصد تکلیفمان را ادا کردیم (همان، ج ۵: ۲۵).</p>	<p>۱۳۵۷Kh_s8^{۱۸}</p>
<p>طرد اختلاف‌اندازان و تأکید بر آگاهی تبعات منفی منازعه در شکسته شدن وحدت</p>	<p>من امیدوارم که شما آقایان آگاهانه وحدت کلمه خودتان را حفظ کنید. اگر چنانچه خدای نخواست اختلاف بین امت حاصل بشود، من خوف آن را دارم که باز به فرم دیگر مسائل تازه عود کند. اگر کسانی بین شما آمدند و زمزمه اختلاف‌اندازی کردند، آنها را طرد کنید (همان، ج ۶: ۴۱۴).</p>	<p>۱۳۵۸Kh_s9^{۱۸}</p>



<p>ضرورت اجماع در برابر منازعه تکیه بر عناصر و مؤلفه‌های اجماع‌ساز توجه به تأثیرات مخرب گفتارهای منازعه‌آمیز بر مردم</p>	<p>اختلاف ما سر چه بکنیم؟ ما به الاختلافمان؟ اسلام، قرآن، ائمه هدی را همه قبول داریم. همه مخالفت کردید با رژیم طاغوتی. همه موافقت کردید با جمهوری اسلامی. لکن اگر خدای نخواستہ اختلافی باشد، این به ضرر هم طرفین منازعه و هم اسلام تمام می‌شود. این اختلافات جزئی اگر باشد، در نظر توده مردم ممکن است که صحیح نباشد؛ چون انعکاسش یک انعکاس صحیحی نیست (همان، ج ۹: ۴۷۸).</p>	<p>۱۳۵۸Kh_s10^۶</p>
<p>توجه به عوامل فردی و معنوی در منازعه تأثیر خودخواهی بر بروز منازعات و منفعت‌طلبی و طرد دیگران</p>	<p>نزاع سر خودخواهی است؛ نزاع سر این است که من می‌کشم طرف خودم، شما هم می‌کشید طرف خودتان. مادامی که این هست، الهیت در کار نیست. حالا کی می‌تواند از این خارج بشود؟ تمام انبیا هم برای این مبعوث شدند، همه انبیا آمدند برای اینکه این عالم را یک عالم الهی‌اش کنند (تفسیر سوره حمد: ۱۲۲).</p>	<p>۱۳۵۸Kh_w11</p>
<p>تعلقات دنیایی و ناسازگاری منافع و اهداف مبنای منازعه</p>	<p>این همه جنگ‌ها که در عالم واقع می‌شود، سر چیست و اساسا چرا جنگ واقع می‌شود؟ تمام نزاع‌هایی که واقع می‌شود، مال این است که انسان تعلق دارد به طبیعت در هر شأنی از شئون، نزاع واقع می‌شود. وقتی تعلق نداشته باشد، نزاع واقع نمی‌شود. اگر در همه عالم انبیا جمع بودند، هیچ وقت دعوا نمی‌شد؛ و این دعوا سر تعلقات است (همان: ۱۷۹).</p>	<p>۱۳۵۸Kh_w12</p>
<p>توجه به تأثیرات مخرب گفتارها و اقدامات برای بروز منازعه تأکید بر استدلال و منطق در مواجهه با منازعه دیگران تعریف نفر ثالث به‌عنوان ناظر در منازعه</p>	<p>شما (دانشگاہیان) باید با کمال توجه (استدلال و منطق) و بدون هیچ درگیری، اینها هرکدامشان آمدند در دانشگاه و یک مطلبی را گفتند، بروید جلوی‌شان بگویید: چه می‌گویید؟ بدون اینکه با آنها جنگ و نزاع داشته باشید. اما اگر ما فهمیدیم اینها می‌خواهند توطئه کنند [در دانشگاه]، یک تکلیف دیگری هم ممکن است داشته باشیم. اشخاص مطلع و مؤمن و متعهد که نظارتی هم داشته باشند و کارها روی نظارت آنها انجام بگیرد (صحیفه امام، ج ۱۰: ۷۳).</p>	<p>۱۳۵۸Kh_s13^۶</p>
<p>خودداری از تضعیف و حذف دیگران و رقبای سیاسی پایبندی به احکام و قوانین در فعالیت سیاسی هشدار درباره تبعات مخرب منازعه</p>	<p>این مجلس که اولین دوره در جمهوری اسلامی است، الگویی برای مجالس آینده است. لازم است از دسته‌بندی‌ها و جهت‌گیری‌های غیراصولی برای کوبیدن طرف مقابل جدا احتراز شود، که تنها حل مسائل در محیط آرام امکان‌پذیر است. از منازعه و تفرقه اجتناب نمایند و به امر آموزنده الهی گوش فرادهند و «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» که دنباله آن تنازع، فشل و شکست و رفتن رنگ‌بو و آبروست (همان، ج ۱۲: ۳۶۳).</p>	<p>۱۳۵۹Kh_s14^۳</p>

<p>تفکیک منازعه درون گروهی و بیرونی لزوم کنار گذاشتن منازعات در برابر دشمن بیرونی</p>	<p>راجع به اصل و اساس مسائل مسلمین، ما معتقدیم که این دو برادر شیعه و سنی به واسطه دست‌هایی که در کار بوده است، چه از روی تقصیر یا قصور. در زمانی که همه مسلمین گرفتار کفار و مشرکین و منافقین هستند، وقت آن نیست که ما باهم جنگ و نزاع کنیم (همان، ج ۱۶: ۴۸۹).</p>	<p>۱۳۶۱ Kh_s 15^۶</p>
<p>چنددستگی و دوقطبی شدن بر سر هدف نامشخص مزوموم و نشانه منازعه است هشدار درباره تبعات مخرب منازعه توجه به نقش دیگران در دامن زدن به منازعه داخلی</p>	<p>من نمی‌دانم این اختلافات، چند دستگی‌ها و جبهه‌بندی‌ها، برای چه می‌باشد؟ صحیح است باهم اختلاف و دوییت داشته باشید و در مقابل هم جبهه بگیرید؟ ریشه تمام اختلافاتی که فاقد هدف مشخص و مقدسی باشند، به حب دنیا برمی‌گردد. این اختلافات خطرناک است. مفاسد جبران‌ناپذیری بر آن مترتب می‌گردد. شاید دست‌های مرموزی برای برهم زدن حوزه‌های علمیه نفاق و اختلاف ایجاد کند. لازم است آگاه و هوشیار باشید (جهاد اکبر: ۳۲).</p>	<p>۱۳۶۲ Kh_w 16</p>
<p>معرفی قدرت‌طلبی به‌عنوان بستر و نشانه منازعه توجه به عوامل فردی و معنوی در منازعه تکلیف نخبگان و مردم برای جلوگیری از منازعه داخلی</p>	<p>یکی از اموری که درصددند که همیشه دامن به آن بزنند، همین‌که در داخل ایران نزاع سر قدرت است. خیال می‌کنند که یک دسته آن طرف ایستادند، یک دسته هم این طرف ایستادند، همه دارند تو سر هم می‌زنند که آن یکی می‌خواهد قدرت را برای خودش، این یکی می‌خواهد قدرت را برای خودش. کسانی که توجه به دنیا دارند، نمی‌شود اختلاف نداشته باشند، هر کسی برای خودش می‌خواهد. آنهایی که اختلاف ندارند، آنهایی هستند که به دنیا اعتنا ندارند. ما باید (مکلفیم) فکر این معنا باشیم که در این کشور خدای نخواسته به تدریج اختلاف واقع نشود (صحیفه امام، ج ۲۰: ۲۲۵).</p>	<p>۱۳۶۵ Kh_s 17^{۱۲}</p>



۲. استنباط مفاهیم

شناسه کدها	مفاهیم
$^{۱۳۳۳}Kh_w 4 + ^{۱۳۵۷}Kh_8^A + ^{۱۳۶۱}Kh_{15}^F$	دگرستیزی و طرد دیگری (غیریت‌سازی با دشمن)
$^{۱۳۵۸}Kh_9^{A+} + ^{۱۳۵۹}Kh_{14}^{T+} + ^{۱۳۶۱}Kh_{15}^F + ^{۱۳۶۲}Kh_w 16$ $^{۱۳۳۳}Kh_w 2 + ^{۱۳۴۴}Kh_w 4 + ^{۱۳۵۷}Kh_7^{A+}$	هم‌گرایی (وحدت درون جبهه خودی و جامعه)
$^{۱۳۵۷}Kh_7^{A+} + ^{۱۳۵۸}Kh_w 11 + ^{۱۳۵۹}Kh_w 12 + ^{۱۳۶۵}Kh_{17}^{A+}$ $^{۱۳۳۸}Kh_w 6 +$	اختلاف و دوقطبی‌سازی برای افزایش قدرت و منافع
$^{۱۳۴۴}Kh_w 2 + ^{۱۳۷۱}Kh_w 5 + ^{۱۳۵۹}Kh_{14}^T$	قانون‌مداری و التزام به قانون
$^{۱۳۷۱}Kh_w 5 + ^{۱۳۵۷}Kh_7^{A+} + ^{۱۳۵۹}Kh_8^A + ^{۱۳۵۸}Kh_w 11$ $^{۱۳۳۳}Kh_w 1 + ^{۱۳۴۴}Kh_w 2 +$	انطباق و سازگاری با ارزش‌ها و مردم
$^{۱۳۴۴}Kh_w 3 + ^{۱۳۳۸}Kh_w 6 + ^{۱۳۵۸}Kh_{10}^F$	اجماع یا توافق بر قواعد و اصول مردم‌سالاری دینی
$^{۱۳۳۳}Kh_w 3 + ^{۱۳۳۸}Kh_w 6 + ^{۱۳۵۹}Kh_{13}^F + ^{۱۳۶۵}Kh_{17}^{A+}$ $^{۱۳۳۳}Kh_w 2 +$	معماری گفت‌وگو و ایده‌مدارا در رابطه امام-امت

۳. طبقه‌بندی

مفاهیم	طبقه‌بندی
دگرستیزی و طرد دیگری (غیریت‌سازی با دشمن)	سطح خرد: توجه به عامل گفتار سیاسی در بروز و تشدید منازعات سیاسی
اختلاف و دوقطبی‌سازی برای افزایش قدرت و منافع هم‌گرایی (انشقاق درون جبهه خودی و جامعه)	
معماری گفت‌وگو و ایده‌مدارا	
قانون‌مداری و نهادمندی	سطح کلان: توجه به عامل نهادمندی سیاسی در بروز و تشدید منازعات سیاسی
انطباق و سازگاری با ارزش‌ها و مردم	
اجماع یا توافق بر قواعد و اصول	

۴. تدوین نظریه و نظام مقوله‌بندی

در پژوهش‌های جدید علوم سیاسی و مطالعات امنیت، مفهوم منازعه سیاسی در تعریفی معتبر، عبارت است از: «تقابل خواسته‌ها و منافع و طرد و بیرون‌گذاری عناصر و دیگر بازیگران مرتبط با آن خواسته یا منفعت در عرصه و سطح واقعی و روانی.» حال با توجه به ساختار اندیشه سیاسی امام خمینی ره و مؤلفه‌های سه‌گانه منازعه در دیدگاه تعاملی، در پی جست‌وجوی پاسخ معتبر به پرسش‌های مطرح در حوزه مطالعات منازعه سیاسی و امنیت از منظر امام خمینی ره بوده‌ایم، که به گزاره‌های تحلیلی بدیع ذیل دست یافته‌ایم:

۴-۱. عوامل و پیش‌ران‌های منازعه

در اندیشه امام گفتار سیاسی و نهادمندی سیاسی، مهم‌ترین نقش را به‌عنوان عوامل و پیش‌ران بروز و تشدید منازعات سیاسی دارند:

گفتار سیاسی: کنش گفتاری فرد، آنچه هنگامی که دهان خود را باز می‌کند می‌گوید، همواره تا اندازه‌ای یگانه و بی‌نظیر است. گفتار به شمار نامحدود جملاتی اطلاق می‌شود که با استفاده از صداها و قواعد می‌توانیم تولید کنیم. یان کرایب در این باره مثال سودمندی را از بازی‌ها ذکر می‌کند: «زبان شطرنج از صفحه، مهره‌ها و قواعد بازی تشکیل می‌شود، و در هر بازی شطرنجی همه اینها به یک‌سان وجود دارند. کنش گفتاری، نوعی بازی فردی است که با بازی‌های فردی دیگر فرق می‌کند» (کرایب، ۱۳۹۳: ۱۷۲)؛

نهادمندی سیاسی: نهاد، مجموعه نسبتاً پایدار از قوانین و روال‌های سازمان‌یافته است که در ساختار معنا و منابعی جای گرفته که در قبال دگرگونی اشخاص ثابت بوده و به‌طور نسبی در برابر تمایلات و انتظارات افراد و نیز تغییرات محیط بیرونی انعطاف‌پذیر است (March & Olsen, 1995: 156). برخی نیز نهاد را ظرفیتی برای «سازمان‌یابی نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، آزادی آنان در رقابت سیاسی، تکوین سازوکارهای حل منازعات در درون بازی‌های سیاسی» معرفی می‌کنند (بشیریه، ۱۳۷۸: ۶۳). بر این اساس نهاد و نهادمندی سیاسی در کنار گفتار سیاسی، سامان‌دهنده به بازی‌های سیاسی-امنیتی و بازیگران سیاسی است. با توجه به پایگاه مذهبی این اندیشه، مقوله گرایش سیاسی (اخلاق اسلامی) مبتنی بر عدالت‌محوری و اصل اعتدال امری مسلط بر دو عامل مذکور است.

۴-۲. بازیگران و انواع منازعه

در اندیشه امام در چهارچوب رویکرد اسلامی-قرآنی به امنیت، با تفکیک جهان سیاست به دو جبهه اسلام و کفر، با تأکید بر عبارت دشمن، بازیگران در سطح کلان شامل بازیگران خارجی (اجنبی و بیرون از جامعه اسلامی-انسانی) و بازیگران داخلی (خودی و داخل در جامعه اسلامی-انسانی) تعریف شده‌اند. همچنین بازیگران داخلی در چهارچوب رابطه امام-امت، به سه سطح شامل رهبران و نخبگان، کارگزاران و مسئولان و مردم دسته‌بندی شده‌اند که هر سه در بروز و تشدید منازعه سیاسی مسئولیت داشته‌اند، اما در این میان رهبران و نخبگان نقش فعال‌تری را برعهده دارند.



در این منطق، منازعه درون‌گروهی در چهارچوب اصل وحدت و هم‌گرایی امری منفی و نادرست تلقی می‌شود و در صورت بروز منازعه، بر اجماع یا توافق بر قواعد و اصول مردم‌سالاری دینی و قانون‌مداری تأکید می‌شود. درمقابل بر منازعه بین‌گروهی در چهارچوب مقابله و ستیز با دشمنان بر سر قدرت و منافع بیشتر و طرد سلطه و نفوذ آنها تأکید می‌شود.

۴-۳. فرایند و مراحل منازعه

در آثار امام تاکنون در این خصوص گزاره دقیق و منسجمی به دست نیامده است، اما برخی نظرهای ایشان نشان می‌دهد بستر و زمینه بروز و تشدید بسیاری از منازعات و بی‌ثباتی‌ها را امری روانی و نفسانی می‌دانند.

۴-۴. آثار و تبعات منازعه

برایند اندیشه سیاسی امام خمینی ره، مبتنی بر تحلیل محتوای آثار و بیانات ایشان در حوزه منازعه سیاسی با مطالعه تطبیقی رفتار سیاسی امام، گویای تعلق نظر ایشان به دو گونه از منازعه است:

منازعه سازنده و کارآمد: منازعه درون‌گروهی که از اهداف حکومت اسلامی پشتیبانی کند و عملکرد آن را بهبود بخشد و موجب افزایش انسجام و امنیت گروه و جامعه شود، کارآمد ارزیابی می‌شود. نمونه این‌گونه منازعه را در حوادث مجلس دوم شورای اسلامی و حمایت امام از انشعاب بخشی از بدنه جامعه روحانیان و تشکیل مجمع روحانیون در اسفند ۱۳۶۶ می‌توان دید. نمونه‌ای از منازعه بین‌گروهی با دشمن را که تکلیف است و منجر به رفع مانعی از برابر عملکرد حکومت اسلامی می‌شود، می‌توان در جریان مقابله با گروهک منافقین و عزل بنی‌صدر از نخست‌وزیری از سوی امام در خرداد ۱۳۶۰ دید؛

منازعه مخرب و ناکارآمد: منازعه درون‌گروهی که موجب تضعیف روابط امام-امت و کاهش بهره‌وری، اخلال در عملکرد، تضعیف امنیت و ثبات حکومت اسلامی می‌شود. همچنین انعکاس آن در سطح جامعه، موجب ایجاد بدبینی و بی‌اعتمادی مردم به رهبران، نخبگان و مسئولان نظام می‌شود. نمونه این‌گونه منازعه در سخنرانی امام در جمع رهبران مسلمان بنگلادش (اتحاد مسلمین) در شهریور ۱۳۶۱ و اقدام امام در جریان حوادث تیم مهدی هاشمی و عزل مرحوم منتظری از قائم‌مقامی رهبر عیان است.

۴-۵. نحوه مواجهه با منازعات سیاسی

باتوجه به ارجحیت دو عامل گفتار و نهادمندی سیاسی در بروز و تشدید منازعات سیاسی در اندیشه سیاسی امام خمینی ره، ناظر بر همین دو عامل به تبیین و تحلیل راهکار مواجهه با منازعات سیاسی می‌پردازیم. گفتنی است که باتوجه به نگرش امام درباره بازیگران و انواع منازعه، می‌توان گفت منازعه بین‌گروهی با دشمن حل‌ناشدنی است، مگر به بهای کنار گذاشتن منافع و اهداف یا طرد یکی از طرفین منازعه. اما در منازعه درون‌گروهی مدیریت و کنترل سطح منازعه و تقویت ثبات و امنیت جامعه و حکومت مورد توجه امام بوده است:

تحول نهادی و نهادمندی سیاسی برای مدیریت منازعه سیاسی از طریق اصلاح قواعد و ایجاد نهادها: امری که امام در تنظیم مقدمه و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بر آن تأکید کرده و به‌نوعی قانون اساسی را پایه حل منازعات سیاسی و تقویت ثبات و امنیت قرار داده‌اند. همچنین ایجاد نهادهای اجماع‌ساز مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام یا تأکید بر استقلال تام قوه قضائیه در جمهوری اسلامی ایران، از طرح‌ریزی‌های امام برای مواجهه با منازعات احتمالی بوده است؛

تحول گفتارهای سیاسی برای مدیریت منازعه سیاسی از طریق ایده‌مدارا و معماری گفت‌وگو: امری که امام در نامه مشهور به «منشور برادری» در آبان ۱۳۶۷ بر آن تصریح کرده‌اند و امکان بحث و گفت‌وگوی دو و چندجانبه فکری-سیاسی-اجتماعی در موضوعات مبتلابه کشور و جوامع اسلامی را حتی نزد افکار عمومی به رسمیت شناخته‌اند. حمایت از تشکیل حزب جمهوری اسلامی به‌عنوان فرصتی برای گفت‌وگو و محلی برای تبادل و تضارب آرای نخبگان، از طرح‌ریزی‌های امام برای مواجهه با منازعات احتمالی و ناامنی‌های روانی-اجتماعی بوده است. البته رعایت اصل مسئولیت‌شناسی و برادری در قبال تبعات و تأثیرات اجتماعی موضع‌گیری‌ها و گفتارهای سیاسی، امری است که مورد توجه و تذکر امام بوده است. برای نمونه، می‌گویند: «ساختن یک مملکت با دست یک گروه امکان ندارد. تمام افراد و گروه‌ها، هر فردی وظیفه دارد در این نهضت خدمت کند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸: ۱۰۸).



نتیجه‌گیری

بنا بر گفته‌های فوق، منازعه سیاسی دارای ارتباط تعاملی با عوامل گفتار سیاسی و نهادمندی سیاسی است که بر تضعیف یا تقویت امنیت و ثبات اثرگذار می‌باشد، و با اتکا بر آرای حضرت امام خمینی ره و در چهارچوب الگوی بومی و بدیع، در شش سطح مطالعه شد. می‌توان نتایج و یافته‌های پژوهش را به شرح زیر ارائه کرد:

مفهوم منازعه سیاسی و امنیت در اندیشه سیاسی امام خمینی ره متناسب با ساختار اندیشه اسلامی و دیدگاه تعاملی مطرح در حوزه مطالعات منازعه سیاسی، دارای شش رکن بینشی، گرایشی، رفتاری، ارتباطی، گفتاری و نهادی است، که بر دو عامل گفتاری و نهادی تمرکز بیشتری صورت گرفته است؛

برداشت امام خمینی ره از منازعه سیاسی و امنیت، دارای دو رکن تعریفی مشخص شامل «تقابل خواسته‌ها و منافع و طرد و بیرون‌گذاری عناصر و دیگر بازیگران مرتبط با آن خواسته یا منفعت در عرصه و سطح واقعی و روانی» است؛

در این برداشت، آثار و تبعات منازعه امری ثابت و استیلایی نیست و منازعه به‌عنوان امری ارتباطی و چندوجهی، متناظر با بازیگران منازعه می‌تواند سازنده و کارآمد یا مخرب و ناکارآمد برای امنیت و ثبات جامعه و اقتدار حکومت باشد؛

مدیریت و کنترل منازعات درون‌گروهی مورد توجه است و در دوره رهبری امام ظرفیت‌ها و فرصت‌هایی برای مواجهه با منازعات احتمالی طرح شده است. کارآمدی این مدل‌ها در دوره‌های اخیر می‌تواند موضوع پژوهش دیگری باشد؛

در همین باره (فهم منطق درونی حاکم بر برداشت امام خمینی(ره) از منازعه سیاسی) می‌توان گفت امام خمینی(ره) با بازتولید ابعاد سه‌گانه کلام، اخلاق و فقه اسلام شیعی در مقام آسیب‌شناسی، ضمن تفکیک انواع منازعه از کارآمد و سازنده تا ناکارآمد و مخرب، برداشتی تعاملی از تأثیر و تأثر گفتار سیاسی و نهادمندی سیاسی در بروز و تشدید منازعات سیاسی اثرگذار بر امنیت و ثبات ارائه کرده‌اند. این از لحاظ نظری بدین معناست که منازعه سیاسی، پدیده‌ای واحد و یک‌سان نیست و الگوی مواجهه و مدیریت منازعات سیاسی متناسب با موقعیت زمانی و مکانی، اما در چهارچوب قواعد و گفتار مشخص، متغیر است. احصای تمایزات محتوایی این دیدگاه با اندیشه مدرن، یکی دیگر از آورده‌های بدیع انتخاب الگوی نظری فوق است. همچنین از دیگر دستاوردهای این مهم آن است که منازعه سیاسی، امری مورد پذیرش و موجب تقویت امنیت و ثبات کشور و جامعه است و می‌توان در چهارچوب قواعد و



گفتار مشخص، سازه مدیریت منازعات سیاسی را طراحی کرد. امید است یافته‌های این پژوهش برای اندیشه‌پژوهان و علاقه‌مندان به مباحث منازعه سیاسی و اندیشه امام خمینی(ره) جالب باشد؛ چراکه پرداختن بدین مسئله در ایران، ضرورتی تجربی دارد. باتوجه به قرار گرفتن کشور در مسیر تحولات، مقاومت‌ها و تفارق‌های بدیع و سریع در عرصه‌های اجتماعی-سیاسی و نیز اهمیت منازعات سیاسی در ساخت اجتماعی آنان و نیز تلاش دشمنان برای تضعیف امنیت و ثبات داخلی و تخریب چهره اقتدار و انقلابی نظام جمهوری اسلامی ایران در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی، تحقیق و تولید ادبیات نظری می‌تواند منظرگاهی دیگر از منازعه سیاسی و امنیت ملی پیش روی ما بگشاید.



منابع فارسی کتاب

- افتخاری، اصغر (۱۳۹۲). مفهوم‌شناسی سیاسی در اندیشه امام خمینی ره، تهران، دانشگاه امام صادق(ع). - برزگر، ابراهیم (۱۳۸۸). روان‌شناسی سیاسی، تهران، سمت.
- بیتهم، دیوید (۱۳۹۲). ماکس وبر و نظریه سیاست مدرن، ترجمه هادی نوری، تهران، ققنوس.
- گولدرن، آلوین (۱۳۹۰). بحران جامعه‌شناسی غرب، ترجمه فریده ممتاز، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۱). درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، تهران، نشر مرکز.
- لینکلتر، آندرو (۱۳۸۵). صلح لیبرالی، ترجمه علیرضا طیب، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- وینسنت، اندرو (۱۳۷۱). نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، تهران، نشر نی.
- مگی، براین (۱۳۸۹). مردان اندیشه، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران، طرح نو.
- اسپریگنز، توماس (۱۳۸۹). فهم نظریه‌های سیاسی، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران، نشر آگه.
- موفه، شانتال (۱۳۹۱). درباره امر سیاسی، ترجمه منصور انصاری، تهران، رخداد نو.
- _____ (۱۳۹۲). بازگشت به امر سیاسی. ترجمه عارف اقوامی مقدم، تهران، رخداد نو.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۴). دولت عقل: ده گفتار در فلسفه و جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، نشر علوم نوین.
- _____ (۱۳۷۸). جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران، تهران، نشر علوم نوین.
- دیهیمی، خشایار (۱۳۸۵). فرهنگ اندیشه‌های سیاسی، تهران، نشر نی.
- کلینتون، دیوید (۱۳۷۹). دوره‌ی منفعت ملی، ترجمه اصغر افتخاری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- لاین، دیوید (۱۳۹۲). پسامدرنیته، ترجمه محمدرضا تاجیک، تهران، نشر بقعه.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۷). چهره متغیر امنیت ملی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- لیوتار، ژان فرانسوا (۱۳۸۰)، وضعیت پسامدرن، ترجمه حسینعلی نوذری، تهران، گام نو.
- جیمز ای. گودبای (۱۳۸۲). تعارض‌های منطقه‌ای، ترجمه محمدرضا سعیدآبادی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کریپندورف، کلوس (۱۳۹۱). تحلیل محتوا مبانی روش‌شناسی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران، نشر نی.
- نش، کیت (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، نشر کویر.

- سوگنامی، هیدمی (۱۳۷۵). بررسی انتقادی رویکرد صلح از طریق قانون. ترجمه وحید بزرگی، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- معین، محمد (۱۳۸۲). فرهنگ فارسی معین، تهران، امیرکبیر.
- دوورژه، موریس (بهار ۱۳۷۶). اصول علم سیاست، ترجمه ابوالفضل قاضی شریعت‌پناهی، تهران، نشر دادگستر.
- _____ (۱۳۶۲). روش‌های علوم اجتماعی، ترجمه خسرو اسدی، تهران، انتشارات سپهر.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام، تهران، مرکز حفظ و نشر آثار امام، ج ۵، ۸، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۲۰، ۲۱.
- _____ (۱۳۷۰). ولایت فقیه: حکومت اسلامی، قم، انتشارات آزادی.
- کیا، منوچهر (۱۳۷۳). تئوری‌های مدیریت و مدل‌های سازمانی، تهران، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). برگزیده تفسیر نمونه، تنظیم احمدعلی بابایی، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- فوزی، یحیی (۱۳۸۴). اندیشه سیاسی امام خمینی ره، تهران، نشر معارف.
- کرایب، یان (۱۳۹۳). نظریه‌های اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس، ترجمه عباس مخبر، تهران.

مقالات

- اسلامی، علیرضا (بهار ۱۳۸۵). «امنیت در قرآن»، فصلنامه علوم سیاسی باقرالعلوم، ش ۳۳.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۲). «امنیت ملی در اندیشه و عمل امام خمینی(ره)»، فصلنامه پژوهشی اندیشه انقلاب اسلامی، ش ۶.
- افتخاری، اصغر و نجف لک‌زایی (تابستان ۱۳۸۵). «امنیت در اسلام»، فصلنامه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم، ش ۳۴.
- ایوبی، محمد و محمد محمودی (تابستان ۱۳۸۱). «معضل امنیت ملی در جهان سوم»، مطالعات راهبردی، ش ۱۶.
- بامداد صوفی، جهانیار (بهار ۱۳۸۴). «تحلیلی محتوا با استفاده از نظریه بنیادین»، فصلنامه مدیریت صنعتی، ش ۸.
- برزگر، ابراهیم (پاییز و زمستان ۱۳۸۹). «ساختار فهم اندیشه سیاسی اسلام»، دوفصلنامه دانش سیاسی، ش ۱۲.



- فیرحی، داوود (۱۳۷۸). «مشکلات روش‌شناختی ورود به اندیشه سیاسی امام خمینی ره»، دانشنامه حضور، ش ۲۸.
- شیرزاد، حسن (۱۳۷۶). فرایند یک‌پارچه‌سازی اراضی و کاربرد تئوری بنیادین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، با راهنمایی عزت کرمی، دانشگاه شیراز.
- عیوضی، محمدرحیم. «جهانی شدن و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی، ش ۶.
- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۸۸). «جامعه‌شناسی سیاسی»، متن تکمیلی دوره کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.

منابع لاتین

- Aula, P. & K. Siira (2010). Organizational Communication and Conflict Management Systems.
- Bankovskaya, Violetta (2012). Development of conflict management strategies to increase the organizational effectiveness in Nordic companies, Professor at Reykjavik University, Vlad Vaiman.
- Glaser, B. G. (1992). Theoretical Sensitivity, Mill Valley California, Sociology Press.
- Fleetwood, Karen L. (1987). The Conflict Management Styles and Strategies of Educational Managers. Unpublished master's thesis, University of Delaware, Newark.
- Leung, Yu Fai (2009). Conflict Management and Emotional Intelligence. Unpublished thesis for degree of Doctor of Business Administration, Southern Cross University, Lismore.
- Haggett, Peter (2001). Geography: A Global Synthesis, Prentice Hall.
- Homer-Dixon, Thomas, Jeffrey H. Boutwell and George W. Rathjens (1993). "Environmental Change and Violent Conflict", Scientific American.
- Whetten, David A. & Kim S. Cameron (2012). Managing Power and Conflict in the Workplace. Introduction to International Organizational Behavior.
- Fleetwood, Karen L. (1987). The Conflict Management Styles and Strategies of Educational Managers. Unpublished master's thesis, University of Delaware, Newark.

- Borisoff, D. & D. A. Victor (1998). Conflict Management: A Communication Skills Approach. Needham Heights, Allyn & Bacon, AViacom Company.

- Piper, L. Minimised (2005). but not eliminated: The decline of political conflict. In South Africa's 2004 election: The quest for democratic consolidation. EISA Report No. 12 Johannesburg: EISA.

- Oberschall, Anthony (1973). Social conflict and social Movement. Newjersey, Prentice Hall inc.

- Coser, Lewis A. (1956). The Functions of Social Conflict, New York, The Free Press.

- P. Robbins, S. (2005). Organisational bahavior. New Jersey, Prentice Hall.

- Jones, Gareth R. & Jennifer M. George (2008). Contemporary Management. New York, McGraw-Hill Companies.

- Kinicki, A. & R. Kreitner, (2008). Organizational Behavior: Key Concepts, Skills & Best Practices. New York, The McGraw - Hill Companies.

- Whetten, David A. & Kim S. Cameron (2012). Managing Power and Conflict in the Workplace. Introduction to International Organizational Behavior.

- Martin, J. N. & T. K. Nakayama (2007). Intercultural Communication in Contexts. New York, McGraw-Hill.

- March, J. G. & J. P. Olsen (1995). Democratic Governance. New York, Free Press.

وبسایت

- Green, Charles (2012). Examples of Four Types of Conflict. Human Resources. Retrieved February 25, from <http://smallbusiness.chron.com/examples-4-types-conflict-1207.html>

